

پژوهشهای حقوقی

شماره ۲۰

هزار و سیصد و نود - نیمسال دوم

مقالات

- تفاوت اشتباه و جهل نسبت به موضوع قرارداد
 - ورشکستگی به تقلب و تقصیر؛ از قانون تجارت تا قانون مجازات اسلامی
 - معاونت در جرایم غیر عمدی
 - تحلیل تئوری متحدالشکل سازی حقوق قراردادهای تجاری فراملی
 - مفهوم و ماهیت قراردادهای آتی
 - صلح و حقوق بشر در برنامه درسی با تأکید بر اسناد بین المللی
- موضوع ویژه: حقوق میراث فرهنگی: ظرفیت‌ها و چالش‌ها
- شمشیر کند عدالت در صیانت از میراث فرهنگی
 - ساخت، معرفی، حمل، نگهداری و خریداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی
 - حمایت کیفری رایت از آثار معماری
 - برخی تحولات راهبردی استرداد اموال فرهنگی در نظام بین المللی معاصر
 - تحولات جدید اعاده اموال فرهنگی با نگاهی به بازگرداندن اموال فرهنگی به بومی‌ها
 - حمایت از اموال فرهنگی در هنگام مخاصمات مسلحانه
 - تکامل مفهوم «کارکردی» اموال فرهنگی در پرتو انسانی‌تر شدن حقوق بین الملل
 - آسیب شناسی قوانین حمایت از میراث فرهنگی
 - حق بر نام تاریخی خلیج فارس در آیین حقوق بین الملل
 - تأملی در حل و فصل اختلافات راجع به اموال فرهنگی





ساخت، معرفی، حمل، نگهداری و خریداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی

(جرایم موضوع ماده ۵۶۶ مکرر قانون مجازات اسلامی)

دکتر حسن پوربافرانی* - حیدر منصوری**

چکیده: به منظور حمایت از آثار فرهنگی - تاریخی منقول در برابر جاعلین و سازندگان نمونه تقلبی و همچنین خریداران این آثار در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۸ قانونگذار اسلامی، قانون الحاق یک ماده به عنوان ماده (۵۶۶) مکرر به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ را تصویب نمود. امری که هر چند دیر اتفاق افتاد، اما در زمینه حمایت از این آثار نقطه عطفی به حساب می‌آید. در این ماده مقنن پنج رفتار مختلف ساخت نمونه تقلبی، معرفی، حمل، نگهداری و خرید این اشیا را جرم‌انگاری نموده است. موضوع جرم در این ماده آثار فرهنگی - تاریخی منقول اعم از ایرانی و خارجی است. این اعمال از لحاظ عنصر روانی بعضاً با یکدیگر فرق می‌کنند. در طبقه‌بندی جرایم بر حسب موضوع، بزه‌های مندرج در این ماده را می‌توان در زمره جرایم علیه آسایش عمومی قرار داد. این بزه‌ها از جمله جرایم عمدی است و بر این اساس برای تحقق آنها لازم است، مسئولیت مرتکب احراز گردد. نسبت به این جرم‌ها سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوائر دولتی بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: ماده ۵۶۶ مکرر، اموال تاریخی-فرهنگی، نمونه تقلبی، جعل، معرفی، حمل، نگهداری، خریداری

* عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه اصفهان

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

در دنیای پیچیده و پرزرق و برق امروزی یکی از افتخارات هر قوم و ملتی وجود میراث فرهنگی است. میراث فرهنگی و آثار تاریخی و باستانی برای یک کشور حافظه جمعی و شناسنامه ملی و هویتی و یکی از اساسی‌ترین ارکان پیوند افراد آن ملت با گذشته خویش است؛ به واقع این موارد پایه‌های روح جمعی و شخصیتی یک ملت را پایه‌گذاری می‌کنند. آثار باستانی نمادهای هویت فرهنگی و تاریخی یک ملت هستند که نیازمند توجه و مراقبت ویژه‌ای می‌باشند. امروزه ارزش و اهمیت این اموال بر کسی پوشیده نیست و به همین خاطر، چه در عرصه حقوق داخلی و چه در عرصه حقوق بین‌الملل، شاهد مقررات و کنوانسیون‌های متعددی هستیم که به منظور حمایت از این آثار به تصویب رسیده‌اند. این آثار علاوه بر ارزش مادی، دارای ارزش معنوی خاصی هستند و به این لحاظ همواره مورد توجه بوده و افراد زیادی خواستار به دست آوردن آنها می‌باشند، که این امر خود تهدید بزرگی نسبت به این آثار است. در یک تقسیم‌بندی آثار باستانی را می‌توان به منقول و غیرمنقول تقسیم نمود. در این میان آثار باستانی منقول به خاطر طبع و ماهیتشان همواره در معرض تهدید بوده و موضوع جرایم مختلفی همچون سرقت، قاچاق، خرید و فروش غیرمجاز و جعل قرار می‌گیرند. در سال‌های اخیر در کشورمان متأسفانه شاهد سوءاستفاده روزافزون عده‌ای سودجو بوده‌ایم که با جعل آثار فرهنگی - تاریخی این مرز و بوم در صدد لطمه زدن به پیکره نظام فرهنگی - تاریخی و القای مفاهیم جعلی بوده‌اند و از آنجایی که ما در قوانین کیفری در ارتباط با این امر با خلأ روبه‌رو بودیم برای مقابله با این اعمال به ناچار قانونگذار دست به جرم‌انگاری این رفتارها زد و ماده ۵۶۶ مکرر ق.م.ا را در این راستا تصویب نمود. این امر هر چند دیر اتفاق افتاد، اما در زمینه حمایت از این آثار قدمی رو به جلو به حساب می‌آید. در این نوشتار پس از بررسی سابقه تقنینی به تحلیل این ماده قانونی و نقاط ضعف و قوت آن خواهیم پرداخت.

۱. سابقه تقنینی

آثار فرهنگی تاریخی به عنوان بخشی از هویت تاریخی یک ملت همواره نیازمند حمایت قانونی هستند تا از گزند سواستفاده‌های احتمالی در امان باشند. در نظام حقوقی ما نیز قانونگذار برای حمایت از این آثار، قوانینی را در طی چند دهه اخیر به تصویب رسانیده است. با توجه به اینکه ماده ۵۶۶ مکرر در زمینه حمایت و حفاظت از آثار تاریخی - فرهنگی منقول و مبارزه با جاعلین آنها است در این مبحث به بررسی قوانین سابق در رابطه با این آثار می‌پردازیم و به این سوال پاسخ می‌دهیم که آیا این ماده اخیرالتصویب در نظام حقوقی ما دارای سابقه تقنینی است یا نه؟ در زمینه حمایت از آثار تاریخی در کشور ما اولین قانونی که به تصویب رسید، قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ بود. این قانون آثاری را که دارای جنبه تاریخی فرهنگی بود با عنوان آثار

ملی معرفی نمود. نظام‌نامه اجرایی آن، که در سال ۱۳۱۲ به تصویب رسید، عنوان آثار ملی را به «عتیقات» تغییر داد و «بدین علت قانون راجع به حفظ آثار ملی بعد از تصویب نظام‌نامه اجرایی آن به قانون عتیقات معروف شد».^۱ البته لازم به ذکر است که در آیین‌نامه اجرایی این قانون عتیقات اعم از اموال منقول و غیر منقول بود. قانون راجع به حفظ آثار ملی در ارتباط با آثار تاریخی منقول، جرایمی را پیش‌بینی نمود. در ماده (۹) این قانون برای فروش غیر قانونی اموال منقولی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده، جزای نقدی معادل قیمت فروش اثر در نظر گرفته شده بود. به علاوه در این قانون حفاری غیر مجاز و خرید و فروش اموال حاصل از حفاری‌های غیرمجاز نیز به عنوان جرم پیش‌بینی و برای آن مجازات تعیین شده بود. در این قانون از جعل و ساخت نمونه تقلبی این آثار ذکری نشده است. در زمینه حمایت کیفری از اموال تاریخی در قانون مجازات عمومی سابق نیز به رغم اینکه اعمالی چون سرقت اموال تاریخی، حفاری غیرمجاز و... به عنوان جرم پیش‌بینی شده، اما در زمینه ساخت نمونه تقلبی خرید و فروش این اشیاء، سکوت حکم فرما است. بعد از انقلاب اسلامی اولین قانونی که در زمینه حمایت از این آثار به تصویب رسید لایحه قانونی راجع به جلوگیری از انجام حفاری‌های غیر مجاز و کاوش به قصد به دست آوردن اشیاء عتیقه و آثار تاریخی مصوب (۱۳۵۸/۲/۲۷) شورای انقلاب اسلامی بود. این لایحه قانونی که مشتمل بر یک ماده واحده بود، حفاری و کاوش به قصد به دست آوردن اشیاء عتیقه و آثار تاریخی را جرم‌انگاری کرد. در قانون تعزیرات مصوب سال (۱۳۶۲) قانونگذار به مانند قوانین سابق در ماده (۴۷) به حمایت از آثار تاریخی می‌پردازد. این ماده که شامل (۹) بند و (۲) تبصره است، عناوین کیفری سرقت، خارج کردن از کشور، حفاری غیرمجاز، فروش بر خلاف مقررات و تخریب را در خصوص آثار تاریخی منقول پیش‌بینی نمود. نکته مهم در خصوص قانون تعزیرات این است که در این قانون عنوان کیفری جدیدی در ارتباط با این آثار مطرح شد که در قوانین سابق نبود و این عنوان عبارت بود از «فروش شیء نو ساخته به جای اصل». در این خصوص ماده (۱۲۱) قانون مزبور مقرر می‌داشت که؛

«هر کسی جنسی را به جای جنس دیگر قلمداد کند، یا کم بفروشد و به طور کلی هرکس مشتری را از حیث کمیت یا کیفیت مبیع فریب دهد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد. این مجازات درباره کسانی که اشیاء نو ساخته را به جای اشیاء عتیقه قلمداد و مشتری را فریب دهند نیز مقرر است.»

اگر چه از فحوای کلام قانونگذار در این ماده بیشتر این امر برداشت می‌شود که مقنن در صدد مجازات فروشندگان تدلیس‌گر بوده تا حمایت از آثار فرهنگی تاریخی، لکن می‌توان قسمت اخیر این ماده را به عنوان پیشینه برای ماده ۵۶۶ مکرر در نظر گرفت. به هر حال این ماده در قانون

۱. یونس صمدی، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌الملل، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور،

مجازات اسلامی حذف شد. در قوانین بعدی نیز که به تصویب رسید در خصوص ساخت نمونه تقلبی آثار فرهنگی تاریخی، خرید و نگهداری این اشیا مقررات خاصی وجود ندارد. در واقع با بررسی قوانین سابق در ارتباط با جرایم موضوع ماده ۵۶۶ مکرر به غیر از آنچه که در ماده ۱۲۱ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ آمده و شرح آن گذشت باید گفت که تا قبل از تصویب این ماده در این ارتباط ما در حقوق کیفری مقررات خاصی نداشته و با خلا قانونی روبه‌رو بودیم و همین امر زمینه‌های سوءاستفاده را در این زمینه فراهم می‌کرد.

۲. ماهیت جرایم از لحاظ طبقه‌بندی حقوقی

جرایم مذکور در ماده ۵۶۶ مکرر، بر علیه مواردی فرهنگی است. این جرایم به حیثیت آثار فرهنگی - تاریخی اصیل لطمه وارد ساخته و مفاهیمی دروغین را القا می‌کند. از لحاظ طبقه‌بندی حقوقی با توجه به اینکه موضوع این جرایم، اموال تاریخی فرهنگی منقول است و این «اموال بخشی از میراث فرهنگی کشور را تشکیل می‌دهند، جرایم ارتكابی علیه آنها را می‌توان از زمره جرایم علیه آسایش عمومی محسوب کرد».^۲

۳. رکن قانونی

رکن قانونی جرایم مورد بحث در این نوشتار عبارت است از ماده (۵۶۶) مکرر ق.م.ا مصوب ۱۳۸۸ که به شرح ذیل است؛

۵۶۶ مکرر- هرکس نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی و خارجی را به جای اثر اصلی بسازد یا آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش، معرفی، حمل یا نگهداری کند یا با آگاهی از تقلبی بودن اثر خریداری کند به حبس از (۹۱) روز تا شش ماه و جزای نقدی معادل نصف ارزش اثر اصلی با اخذ نظر کارشناس از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری محکوم می‌شود.

تبصره ۱- نمونه تقلبی به اشیائی اطلاق می‌گردد که در دوره معاصر ساخته شده و از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل بوده یا بدون آنکه نمونه اصلی وجود داشته باشد به عنوان اثر فرهنگی - تاریخی اصیل معرفی شود و علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل، بر روی آن حک نشده باشد.

تبصره ۲- چنانچه شیء تقلبی نمونه اصلی نداشته باشد، ارزش آن به فرض وجود توسط کارشناسان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تعیین می‌گردد.

۲. حسین میرمحمدصادقی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، ص

تبصره ۳- اشیاء مکشوفه موضوع این ماده به نفع سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ضبط می‌گردد. حکم این تبصره شامل اشیائی که قبل از لازم‌الاجراء شدن این قانون ضبط شده نیز می‌گردد.

۴. رکن مادی

۴-۱. موضوع جرم

موضوع جرم در ماده ۵۶۶ مکرر آثار فرهنگی - تاریخی اعم از ایرانی یا خارجی است. اگر چه در متن ماده آثار فرهنگی - تاریخی به صورت عام و کلی آورده شده ولی بدون شک منظور قانونگذار آثار فرهنگی - تاریخی منقول بوده، چرا که تصور ساخت، حمل و نگهداری نمونه تقلبی آثار غیر منقول نه تنها بسیار بعید بلکه محال است. در زمینه تعریف این اموال، آیین‌نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی مصوب (۱۳۸۱/۱۲/۷) هیأت وزیران در ماده ۱ بند الف مقرر می‌دارد که اموال فرهنگی - تاریخی به اموالی اطلاق می‌شود که نشانگر تحول حیات و هویت فرهنگی تاریخی انسان یا وقوع وقایع تاریخی در ادوار یا دوره‌هایی خاص باشد و به نحوی از انحاء، گوشه‌ای از حرکت تاریخی فرهنگی انسان را در مقیاس ملی یا منطقه‌ای یا بین‌المللی نشان دهد، یانشانگر ظهور، حیات و انقراض تمدن‌های تاریخی بوده و از محوطه‌های باستانی واقع در خشکی یا بستر دریاها، در اثر حفاری علمی یا علل دیگر کشف شود. و بیش از یکصد سال از تاریخ ساخت یا ایجاد آن گذشته باشد.

۴-۲. مرتکب جرم

بنا بر تصریح ماده ۵۶۶ مکرر، مرتکب جرم می‌تواند هرکس باشد. بر این اساس هر فرد ایرانی یا خارجی اعم از زن یا مرد، با هر سمتی می‌تواند مرتکب جرایم مذکور در این ماده بشود. اما در این ارتباط سوالی که می‌تواند مطرح شود این است که آیا اشخاص حقوقی می‌توانند مرتکب این جرایم شوند؟ و بر فرض مثال در صورت ارتکاب چنین جرایمی توسط این اشخاص آیا می‌توان آنها را تعقیب و مجازات نمود؟ در پاسخ باید گفت اگر چه معمولاً عبارت هر کس منصرف به اشخاص حقیقی است، لکن بدون هیچ تردیدی ارتکاب جرایم پیش‌بینی شده در ماده توسط اشخاص حقوقی نیز قابل تصور است، چرا که امروزه در سطح دنیا شرکت‌ها و مؤسسات بزرگی در زمینه کشف، شناسایی، معرفی، خرید، فروش و به معرض نمایش گذاشتن آثار باستانی فعالیت می‌کنند و این احتمال وجود دارد که فعالیت تعدادی از آنها در این زمینه‌ها غیرقانونی باشد. به علاوه ماده ۵۶۸ قانون مجازات اسلامی که در فصل نهم و زیر عنوان تخریب آثار فرهنگی تاریخی آمده است، مقرر می‌دارد که در جرایم مذکور در این فصل (ماده ۵۶۶ مکرر را نیز شامل می‌شود) که به وسیله اشخاص حقوقی انجام شود هر یک از مدیران و مسؤولان دستور دهنده به مجازات‌های مقرر محکوم می‌شوند. لذا این خود دلیلی کاملاً قاطع بر این مدعاست. بر اساس این

ماده در صورت ارتکاب این جرایم توسط اشخاص حقوقی هر یک از مسئولان و مدیران دستور دهنده به مجازات‌های مقرر محکوم می‌شوند. در این ماده قانونگذار در حقیقت برای اشخاص حقوقی مسئولیت کیفری قائل نشده بلکه صرفاً مسئولیت مدیران و مسئولان دستور دهنده را مدنظر قرار داده است. لازم به ذکر است که مجازات مسئولان و مدیران دستور دهنده نافی مسئولیت کیفری اشخاصی که با علم و آگاهی مباشرت به جرایم مذکور در این فصل و به دستور این اشخاص نموده‌اند نیست و آنها نیز برابر مقررات محکوم و مجازات خواهند شد.

۴-۳. فعل مرتکب

۴-۳-۱. ساخت نمونه تقلبی اموال تاریخی - فرهنگی

رفتار مرتکب در بزه ساخت نمونه تقلبی آثار تاریخی - فرهنگی مبتنی است بر یک فعل مثبت که بر اساس آن مبادرت به خلق و آفرینش یک اثر نموده و آن را به جای اصل قلمداد می‌کند و به نوعی به قلب حقیقت می‌پردازد. در ساختن یک اثر و جا زدن آن به عنوان اصل دو فرض را می‌توان متصور بود؛ الف) اثر اصلی واقعاً و در عالم خارج وجود دارد و شخص با در نظر گرفتن آن اقدام به شبیه‌سازی و به اصطلاح کپی برداری می‌نماید و این طور وانمود می‌کند که اثر اصلی است مثلاً شخص با مد نظر قرار دادن منشور کوروش که یک اثر تاریخی - فرهنگی است مبادرت به شبیه‌سازی می‌کند و آن را به عنوان اثر اصلی قلمداد می‌کند. ب) فرض دوم اینکه، در عالم واقع شی ساخته شده نمونه اصلی و حقیقی ندارد و شخص بر اساس تصورات و ذهنیات خویش دست به آفرینش و خلق آن زده و آن را اصل و مربوط به یک دوره خاص از تاریخ معرفی می‌کند؛ به عنوان مثال شخص با نوشتن مطالبی بر روی پوست آهو و انجام یک سری فعل و انفعال آن را به عنوان نامه یا فرمانی قلمداد می‌کند که از طرف یکی از شاهان مربوط به ادوار گذشته صادر شده بدون اینکه در واقع چنین نامه یا فرمانی وجود داشته باشد. در هر صورت و بنا بر تصریح ماده صرف ساخت یک شی و جا زدن آن به عنوان اثر تاریخی اعم از اینکه واقعاً چنین شیئی وجود داشته باشد یا نه جرم و عمل مرتکب مشمول ماده است.

۴-۳-۱-۱. شرایط لازم برای تحقق جرم ساخت نمونه تقلبی

مطابق تبصره (۱) این ماده برای تحقق جرم ساخت نمونه تقلبی، شی ساخته شده باید دارای ویژگی‌هایی باشد این ویژگی‌ها عبارتند از:
الف) در دوره معاصر ساخته شده باشد

بر اساس تبصره فوق‌الذکر شرط است که نمونه تقلبی در دوره معاصر ساخته شده باشد. مفهوم دوره معاصر که مقنن به آن اشاره نموده چندان واضح به نظر نمی‌رسد و دارای ابهام است. برای روشن شدن مفهوم آن از یک سو می‌توان به کتب تاریخی و از سوی دیگر به قوانین مرتبط با آثار تاریخی - فرهنگی مراجعه کرد. کتب تاریخی که در ارتباط با دوران تاریخ معاصر نگارش یافته

است، شروع این دوران را هم زمان با تأسیس سلسله قاجار می‌دانند.^۳ بدون تردید نمی‌توان منظور قانونگذار از دوران معاصر را همان مفهومی دانست که مدنظر مورخین است، چرا که بسیاری از آثار به وجود آمده در دوران قاجاریه دارای حیثیت تاریخی فرهنگی است. پس به ناچار برای روشن شدن مفهوم این اصطلاح باید به قوانین مربوطه رجوع کرد. از لحاظ قوانین مرتبط با آثار فرهنگی تاریخی، آثار ساخته شده به دست انسان را به دو دسته می‌توان تقسیم نمود؛ الف) آثار ساخته شده توسط گذشتگان که دارای حیثیت تاریخی و فرهنگی است. ب) آثار ساخته شده در دوره معاصر که دارای چنین ویژگی‌هایی نمی‌باشد. برای تمییز این دو دسته از آثار باید از ملاک‌های قانونی که مقنن به دست داده است استعانت جست. مطابق با قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ که اولین قانون تصویب شده در این زمینه است آثاری دارای جنبه تاریخی است که تا پایان دوره سلسله زندیه در ایران ساخت و ایجاد شده باشد (ماده ۱). در سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی، لایحه قانونی راجع به جلوگیری از حفاری‌های غیرمجاز را تصویب کرد. براساس این قانون، اشیاء عتیقه و آثار تاریخی به اشیایی گفته می‌شود که یکصد سال یا بیشتر از ساخت آنها گذشته باشد «بدین ترتیب شرط قدمت مندرج در ماده ۱ راجع به حفظ آثار ملی به طور ضمنی نسخ شد».^۴ آیین‌نامه اموال فرهنگی هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی مصوب سال ۱۳۸۱ نیز در ماده ۱ خود همین شرط یکصد سال یا بیشتر را پذیرفته است. با توجه به این قوانین می‌توان گفت که منظور قانونگذار از دوره معاصر یکصد سال اخیر است و منظور از آثار تقلبی ساخته شده در دوره معاصر آثاری است که در کمتر از یکصد سال اخیر به عنوان اثر اصلی ساخته شده است. البته لازم به ذکر است که اگر شخص نمونه تقلبی این آثار را قبل از لازم‌الاجرا شدن این قانون ساخته باشد بنا بر اصل «عطف به ما سبق نشدن قوانین کیفری» نمی‌توان او را تحت تعقیب قرار داد، ولی اگر بعد از ساخت این اثر را نگهداشته و به اصطلاح نگهداری کرده باشد و این نگهداری تا زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون تداوم یافته باشد تحت عنوان نگهداری نمونه تقلبی قابل تعقیب است.

ب) از حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه آثار فرهنگی - تاریخی اصیل باشد.

دومین ویژگی عبارت است از اینکه در ساختن نمونه تقلبی آثار تاریخی فرهنگی به مانند جرم قلب سکه ضروری است که شیء ساخته شده شبیه اثر اصلی بوده و مرتکب جرم شبیه‌سازی را رعایت کرده باشد. در این ارتباط تبصره (۱) ماده ۵۶۶ مکرر، مقرر می‌دارد که شیء ساخته شده باید از «حیث نقوش، خطوط، شکل، جنس، اندازه، حجم و وزن شبیه اثر فرهنگی تاریخی اصیل باشد». لکن سوالی که اینجا مطرح می‌شود این است که این شبیه‌سازی باید تا چه میزانی باشد؟ و آیا شیء

۳. پیتر آوری، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی، تهران، نشر عطایی، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۲۹.

۴. یونس صمدی، پیشین، ص ۱۹۹.

تقلبی ساخته شده باید کاملاً شبیه اثر اصلی باشد یا شباهت نسبی نیز کفایت می‌کند؟ در جرم قلب سکه مطابق نظر غالب حقوقدانان و همچنین رویه قضایی غالب، یک شباهت ظاهری و نسبی که بتواند یک خریدار عادی را به اشتباه بیندازد برای تحقق مسؤولیت کافی است. اما در ارتباط با جرم ساختن نمونه تقلبی اموال تاریخی فرهنگی با توجه به تبصره فوق الذکر و در راستای پاسخ به سوال طرح شده می‌توان دو دیدگاه را مطرح ساخت:

۱. در تحقق این جرم یک شباهت نسبی و ظاهری که بتواند افراد عادی را به اشتباه انداخته و آنان را فریب دهد کفایت می‌کند.

۲. دیدگاه دوم این است که برای تحقق این جرم ضروری است که شباهت واقعی بوده و مابین شیء ساخته شده و اثر اصلی شباهتی بیش از شباهت ظاهری باشد به نحوی که نوعاً افراد آگاه در زمینه آثار باستانی را فریب دهد.

از بین دو دیدگاه مطرح شده به نظر دیدگاه دوم منطقی‌تر و با نظر قانونگذار منطبق‌تر است چرا که اولاً بر خلاف جرم قلب سکه که مقنن فقط عبارت «... شبیه هر نوع مسکوک داخلی یا خارجی ...» (ماده ۵۱۸ ق.م.ا.) را آورده در تبصره ۲ ماده مذکور با برشمردن اوصاف یک شیء مانند جنس، وزن، اندازه، خطوط و نقوش، من حیث المجموع آنها را در نظر داشته و شبیه‌سازی را در آنها ضروری دانسته و این چیزی بیش از یک شبیه‌سازی نسبی و ظاهری است. ثانیاً فرض ما بر این است که مقنن ما حکیم بوده و هیچ عمل نسنجیده‌ای را انجام نمی‌دهد و اگر نظر وی بر یک شباهت نسبی بود چه احتیاجی داشت که به تمامی اوصاف فوق تک تک تصریح بنماید، کافی بود همانند جرم قلب سکه فقط اشاره به شباهت بنماید و به این نحو اصل موجزنویسی را که یکی از اصول قانون‌نویسی است مراعات می‌نمود. ثالثاً اگر ما قائل به این تفسیر شویم نفع متهم را نیز مدنظر داشته‌ایم و در جاهایی که شخص اثری را ساخته و آن را به عنوان اثر اصلی معرفی می‌نماید اما از حیث یک سری اوصاف مانند خطوط و نقوش با آن متفاوت است، عمل وی را جرم ندانسته و وی را به این اتهام محاکمه و مجازات نمی‌کنیم.

ج) علامتی از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای تشخیص از اصل، بر روی آن حک نشده باشد.

با توجه به اینکه ساخت نمونه تقلبی این آثار عملی بسیار ظریف بوده و نیازمند تخصص است. معمولاً هنرمندان و افراد اهل فن بدون سونیت و برای ابراز تخصص و هنر نمایی یا برای عرضه و فروش به عنوان نمونه بدلی مبادرت به ساخت این آثار می‌کنند. به همین دلیل قانونگذار برای اینکه مانع قانونی برای فعالیت این افراد به وجود نیاید و آنها بتوانند به کار خویش ادامه دهند ایشان را ملزم نموده که در صورت ساخت چنین آثاری برای اینکه مشمول این ماده قانونی نشوند آثار ساخته شده را ممهور به مهر یا علامتی نمایند که مشخص کند این اشیا بدلی هستند. این علامت ممکن است از سوی سازنده یا سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری باشد.

۴-۳-۲. معرفی کردن نمونه تقلبی

معرفی در لغت به معنای شناساندن امری به دیگری^۵ آمده است. در ماده ۵۶۶ مکرر منظور از معرفی این است که مرتکب با رفتار خویش نمونه تقلبی را به قصد عرضه، قاچاق، یا فروش به دیگران می‌شناساند. بدیهی است که این رفتار مبتنی بر یک فعل مثبت است؛ زیرا تصور اینکه معرفی با ترک فعل محقق شود محال است. طریقه و شیوه معرفی کردن نیز از نظر مقنن از اهمیت چندانی برخوردار نیست و ارتکاب به شیوه‌های گوناگونی قابل تصور است، مثلاً از طریق کاتالوگ، فیلم یا حتی آگهی. اما مسأله قابل بحث در این ارتباط این است که مرتکب باید نمونه تقلبی را با چه عنوانی معرفی کند؟ به عبارت دیگر آیا لازم است که شیء تقلبی را به عنوان نمونه اصلی جا بزند تا مضمول ماده شود یا نه به هر عنوانی اعم از اصل یا نمونه تقلبی معرفی کند باز مضمول ماده است؟

در رابطه با این سوال دو نظر می‌تواند مطرح شود؛ نظر اول این است که مرتکب باید با علم به اینکه شیء تقلبی است آن را به قصد عرضه، قاچاق یا فروش به عنوان اثر اصلی معرفی کرده تا مضمول ماده شود و الا عمل وی جرم نمی‌باشد.

بر اساس دیدگاه دوم مهم نیست که متهم آثار تقلبی ساخته شده را با چه عنوانی به دیگران معرفی کند. بلکه مطابق ماده آنچه که مهم است عبارت است از اینکه وی با علم به تقلبی بودن شیء، به همان مقاصد ذکر شده در قانون عمل معرفی را انجام دهد حال به هر عنوانی.

در مقام بررسی این دو دیدگاه به نظر می‌رسد که تفسیر دوم منطقی و عقلایی‌تر باشد، به این دلایل که اولاً قدر متیقن ماده اقتضای چنین تفسیری را دارد. ثانیاً منظور از معرفی در این ماده این است که متهم به دیگران اعلام کند که چنین اثری وجود دارد و دارای چنین ویژگی‌هایی است دیگر تصریح به اینکه اصل است یا نمونه تقلبی ساخته شده، تأثیری در تحقق جرم ندارد. به علاوه فرضی را در نظر بگیریم که در آن «الف» به قصد فروش چنین اثری، آن را به عنوان تقلبی به «ب» معرفی می‌کند. «ب» نیز اقدام به خریداری اثر می‌کند در چنین فرضی اگر ما دیدگاه اول را بپذیریم نتیجه این می‌شود که خریدار را به خاطر خرید چنین اثری مجازات کنیم اما فروشنده را تبرئه نماییم که چنین امری کاملاً غیر منطقی و خلاف مقصود مقنن است.

در این ارتباط نکته قابل ذکر این است که صرف معرفی با همان مقصد ذکر شده برای تحقق جرم کفایت می‌کند و نیازی نیست که حتماً عرضه، قاچاق یا فروش صورت گیرد. اما اگر شخص پس از معرفی موفق به فروش شود آیا جرم دیگری محقق نمی‌شود؟ در ارتباط با این سوال باید عنوان کرد که اگر شخص نمونه تقلبی را به جای اصلی معرفی نماید و خریدار نیز فریب خورده و آن را به عنوان اثر اصلی خریداری نماید علاوه بر جرم موضوع این ماده، کلاهبرداری نیز محقق

۵. محمد معین، فرهنگ فارسی، دوره شش جلدی، ج ۳، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۶، ص

شده و مرتکب مستحق مجازات جرم کلاهبرداری و بزه معرفی نمونه تقلبی آثار فرهنگی تاریخی از باب تعدد مادی خواهد بود.

۴-۳-۳. حمل

حمل در لغت به معنای نقل کردن و بردن چیزی از جایی (همان، ج ۱: ۱۳۷۴) به جای دیگر آمده است که عمل فیزیکی و رفتار مجرم را در این بزه تشکیل می‌دهد در واقع شخص با علم به تقلبی بودن آثار به قصد عرضه، قاچاق و یا فروش آنها را حمل می‌کند. البته لازم به ذکر است که در نقل و انتقال این آثار از محلی به محل دیگر لازم نیست که خود مرتکب شخصاً مباشرت به حمل آن بنماید، بلکه نقل و انتقال این اشیا از طریق پست یا از طریق مؤسسات باربری نیز در حکم حمل توسط خود مرتکب است.

۴-۳-۴. نگهداری

معمولاً در بررسی ارکانی یک جرم عمل و رفتار مرتکب را در بحث عنصر مادی آن جرم و تحت عنوان فعل یا ترک فعل و در برخی موارد فعل ناشی از ترک فعل مورد بحث قرار می‌دهند، اما در بعضی موارد «ظاهراً فعلی صورت نمی‌گیرد و واکنش مثبت یا منفی به منصف ظهور نمی‌رسد هر چند در حقیقت عملی در گذشته صورت گرفته که قانونگذار نتایج آن را در زمان حاضر مجازات می‌کند برای مثال قانون داشتن یا نگهداری بعضی از اشیا را جرم می‌شناسد و دارنده و نگهدارنده آن را مجازات می‌کند»^۶ این امر در بحث نگهداری نمونه تقلبی آثار تاریخی - فرهنگی نیز صدق می‌کند، به هر حال می‌توان با کمی مسامحه، نگهداری را شامل فعل مثبت دانست. این جرم «جزء جرایم مستمر است چرا که قصد مجرمانه در جرایم مستمر در هر لحظه وجود دارد و رفتار مجرمانه تشکیل دهنده عنصر مادی مستمراً در جریان است»^۷.

۴-۳-۵. خریداری نمونه تقلبی اموال تاریخی فرهنگی

عمل مرتکب در این بزه، خریداری نمونه تقلبی اموال تاریخی فرهنگی با علم به تقلبی بودن آنها است، که یک فعل مثبت مادی خارجی است. در حقیقت مقنن در این ماده به طور مطلق صرف خریداری مال موضوع جرم را عمل مجرمانه دانسته و برای آن مجازات تعیین نموده و تنها شرط تحقق آن را علم خریدار به تقلبی بودن آن عنوان کرده است. اما موضوعی که اینجا مطرح می‌شود این است که دلیل این اطلاق مقنن چیست؟ به عبارت دیگر چه توجیهی برای این مطلق بودن می‌توان آورد؟ به عنوان مثال چرا باید یک کلکسیونر را که علاقه وافری به جمع آوری آثار بدلی باستانی دارد به صرف خریدن این آثار مشمول این ماده قرار داد و مجازات نمود؟

۶. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲، ص ۳۱۷.

۷. ایرج گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ص ۱۶۳.

در جواب این پرسش‌ها شاید بتوان توجیهاتی را به این نحو مطرح نمود که اولاً قانونگذار این جرم را به عنوان یک جرم مانع و بازدارنده مد نظر داشته که بتواند از ارتکاب جرایم بعدی جلوگیری نماید چه بسا در مثال فوق کلکسیونر مذکور حتی اگر در ابتدا هیچ سونیتی نداشته باشد بعد از مدتی وسوسه شود که نمونه تقلبی را به جای اصل قلمداد نموده، عرضه کرده یا به فروش برساند. ثانیاً خریداری نمودن این آثار از سازندگان آنها به نوعی تشویق آنها به ادامه فعالیت مجرمانه است و شاید اگر چنین خریدارانی نباشند، بسیاری از جاعلین این آثار مبادرت به ساخت چنین اشیایی نکنند؛ ثالثاً قانونگذار خواسته تا از گسترش چنین معاملاتی جلوگیری شود چرا که رواج خرید و فروش این آثار در حقیقت بر میراث فرهنگی کشور ضربه وارد آورده و سبب القای مفاهیم تاریخی جعلی می‌شود. اینها توجیهاتی است که می‌توان برای جرم‌انگاری این عمل آورد؛ زیرا فرض ما بر این است که قانونگذار حکیم بوده و از انجام اعمال بیهوده و عبث اجتناب می‌ورزد و الا اگر توجیهاتی که قبلاً به آن اشاره شد قابل قبول نباشد در عمل قانونگذار راه خطا پیموده است، چون اگر خریدار هیچ سونیتی نداشته باشد جرم‌انگاری این عمل چندان منطقی به نظر نمی‌رسد. جدای از این مباحث سوال دیگری که باید پاسخ داده شود این است که منظور از خریداری چیست؟

در جواب به این سوال می‌توان گفت که «منظور از خریداری یا بیع در عرف داد و ستد، مبادله مال به پول است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود»^۸ در عین حال به نظر می‌رسد که منظور از خریداری در اینجا همین معنی عرفی است. حال اگر مرتکب نمونه تقلبی را از طریق معاوضه تملیک کند آیا داخل در شمول خریداری است یا نه؟ تفسیر به نفع متهم ایجاب می‌کند که خریداری را مضمول معاوضه ندانیم، افزون بر این قدر متیقن ماده نیز مقتضی چنین تفسیری است. در این ارتباط اگر شخص نمونه تقلبی را به عنوان هدیه قبول کند یا به اصطلاح حقوقی قبول هبه نماید باز مضمول این ماده نمی‌باشد؛ لکن این مسأله جای تامل دارد و بر آن انتقاداتی وارد است چرا که اگر توجیه جرم‌انگاری خریدن این آثار را جلوگیری از ارتکاب جرایم بعدی بدانیم آیا صرف جرم دانستن این عمل هدف قانونگذار را تأمین می‌کند؟ چه بسا شخصی که مال موضوع جرم از طرق دیگر به وی منتقل شده نیز تحریک به ارتکاب جرایم بعدی شود لذا معقول‌تر این بود که مقنن به جای لفظ خریداری همانند جرم مداخله در اموال مسروقه از اصطلاح تحصیل نمودن استفاده می‌کرد تا چنین اعمالی نیز داخل در شمول ماده می‌شد.

۵. رکن روانی

۵-۱. ساخت نمونه تقلبی

علاوه بر رکن قانونی و رکن مادی در تحقق هر جرمی وجود رکن روانی ضروری است. رکن

۸. ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۳، ص ۲۹۲.

روانی به معنای فعل و انفعالات ذهنی مجرم یا رابطه خاص ذهنی و روانی است که بین فاعل فعل مجرمانه و جرم برقرار می‌شود. در این ارتباط جرم ساخت نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی به مانند بزه «قلب سکه در واقع نوعی جعل و از اقسام آن می‌باشد. بنابراین منبع از قواعد و اصول کلی و اساسی آن می‌باشد.»^۹ در زمینه عنصر روانی این بزه همانند قلب سکه و جعل از سونیت عام و سونیت خاص تشکیل شده است. سوئی نیت عام عبارت است از علم و اراده مرتکب به انجام رکن مادی که در این جرم مبتنی بر اراده و آگاهی مرتکب در ساخت نمونه تقلبی است. در زمینه سوءنیت خاص همان‌طور که قبلاً عنوان شد می‌توان از مقررات راجع به جعل یاری جست چرا که این عمل نوعی جعل محسوب می‌شود. در ارتباط با سوء نیت خاص در جرم جعل بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. به نحوی که دو دیدگاه مطرح شده است. دیدگاه اول عبارت است از اینکه سوءنیت خاص در جرم جعل و همچنین قلب سکه، قصد تقلب است بدین معنا که شخص قصد داشته باشد که با حيله و فریب ضرری به افراد اعم از حقیقی یا حقوقی و از جمله دولت وارد آورد به عبارت دیگر این دیدگاه مبتنی بر این است که مرتکب حتماً باید قصد وارد آوردن ضرر به دیگران را داشته باشد.^{۱۰} مطابق دیدگاه دوم سونیت خاص عبارت است از علم مرتکب دایر بر اینکه ممکن است در نتیجه‌سی قلب حقیقت ضرر مادی یا معنوی متوجه شخص دیگر یا جامعه گردد، و همین اندازه علم کافی است و ضرورتی ندارد که قصد و نیت وی نیز واقعاً و مخصوصاً اضرار به غیر یا فریب شخص ثالث باشد^{۱۱} در توجیه این نظر «گارو حقوقدان بزرگ فرانسوی در جلد چهار کتاب خود با عنوان مطالعات عملی و نظری در حقوق جزا عنوان می‌کند که نظریه آن دسته از حقوقدانان کیفری که در تحقق رکن روانی جرم جعل قصد ورود ضرر به دیگری را توسط جاعل حتمی می‌دانند قابل انتقاد و غیر منطقی است، زیرا جاعل معمولاً به هنگام ارتکاب عمل به شخص معینی که در اثر آن متضرر می‌شود اندیشه نمی‌کند بلکه به اهداف خویش که جلب منفعت یا دفع ضرر برای خود یا دیگری است می‌اندیشد.»^{۱۲} در بزه ساخت نمونه تقلبی آثار فرهنگی تاریخی به نظر می‌رسد سوءنیت خاص مبتنی بر دیدگاه دوم باشد به این ترتیب که در این جرم سوءنیت خاص، یعنی اینکه شخص علم به این امر داشته باشد که ممکن است در نتیجه عمل او به پیکره نظام فرهنگی تاریخی و یا افراد حقیقی و حقوقی ضرری وارد شود و قصد اینکه

۹. مهدی سالاری، جعل و تزویر، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۵۶.

۱۰. حسین میرمحمد صادقی، پیشین، صص ۳۱۲ و ۳۵۱.

۱۱. مهدی سالاری، پیشین، صص ۱۶۲ و ۲۶۶ همچنین ضیاءالدین پیمانی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۵؛ ایرج گلدوزیان، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۳، ص ۴۸۸؛ هوشنگ شامبیتانی، جرایم برضد مصالح عمومی کشور، تهران، انتشارات ژوبین، چاپ سوم، ۱۳۸۰، ص ۱۱۴.

۱۲. به نقل از: مهدی سالاری، پیشین، ص ۱۶۳.

حتماً ضرری به این اشخاص وارد کند ضروری نیست.

۲-۵. معرفی، حمل و نگهداری به قصد عرضه، قاچاق یا فروش

در قسمت دوم ماده قانونگذار بزه معرفی، حمل و نگهداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی تاریخی را پیشبینی کرده است. این دسته از افعال مجرمانه به لحاظ رکن روانی نیازمند به سونیت عام و سونیت خاص هستند. سونیت عام عبارت است از اراده مرتکب در معرفی، حمل و نگهداری با علم به تقلبی بودن این اشیا در واقع مرتکب با علم به تقلبی بودن از روی اراده و اختیار مبادرت به معرفی، حمل و نگهداری میکند. سونیت خاص نیز بنا بر تصریح ماده قانونی، قصد عرضه، قاچاق یا فروش است. بنابراین از حیث رکن روانی برای تحقق جرم لازم است مرتکب با آگاهی از جعلی بودن آثار از روی اراده و اختیار (سوءنیت عام) و به قصد عرضه، قاچاق یا فروش (سوءنیت خاص) مبادرت به معرفی، حمل و نگهداری این آثار بنماید.

۳-۵. خریداری با آگاهی از تقلبی بودن اثر

در قسمت اخیر ماده ۵۶۶ مکرر، مقنن خریداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی تاریخی را جرم‌انگاری نموده است. در تحقق این جرم نیازی به سونیت خاص نبوده و صرف وجود سونیت عام کفایت میکند. بنابراین از حیث رکن روانی کافی است که مرتکب با علم به تقلبی بودن از روی اراده و اختیار این اشياء را خریداری کند. از این جهت این جرم کاملاً شبیه جرم مداخله در اموال مسروقه است.

۶. مباحث شکلی پیرامون این ماده

۶-۱. اقامه و تعقیب دعوا

ماده ۵۶۶ مکرر به فصل نهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی اضافه شده است. در ارتباط با این فصل قانونگذار در ماده ۵۶۷ مقرر می‌دارد که «در کلیه جرایم مذکور در این فصل، سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوایر دولتی بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی محسوب می‌شوند». بنا براین برای اقامه دعوا علیه مرتکبین این گونه جرایم ضروری است که سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوایر دولتی که ذی‌نفع می‌باشند به عنوان شاکی یا مدعی خصوصی اقدام کنند. البته بر این امر انتقاداتی وارد است چرا که احصای چنین جرایمی که در حقیقت موجب لطمه به حیثیت میراث فرهنگی کشور است، «در زمره جرایمی که تعقیب جز با شکایت شاکی خصوصی نمی‌تواند آغاز گردد محل تامل و در واقع امر باعث تاسف است چگونه قال پذیرش است که دادستان در ارتباط با مرتکبان این گونه جرایم قادر به تعقیب نبوده و باید در انتظار اقدام سازمان میراث فرهنگی باشد».^{۱۳} صرف نظر از انتقاد وارده بر این ماده، موضوع دیگری که جای ابهام دارد

۱۳. محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷.

مفهوم عبارت «سایر دوایر دولتی» است. در ارتباط با این امر این سوال به ذهن خطور می‌کند که منظور مقنن از سایر دوایر دولتی چیست؟ در پاسخ به این سوال گفته شده که «منظور از سایر دوایر دولتی، نیروی انتظامی، اداره گمرک و... می‌باشد که بر حسب مورد نسبت به کشف جرایم مذکور یا کشف اموال و آثار باستانی که در نتیجه قاچاق یا سرقت به دست می‌آیند، اقدام به طرح دعوی می‌نمایند»^{۱۴} به نظر می‌رسد که این پاسخ چندان دقیق نباشد، چرا که مطابق ماده ۹ ق. آ. د. ک. شاکی یا مدعی خصوصی، شخصی است که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده یا حقی از قبیل قصاص و قذف پیدا کرده و آن را مطالبه می‌کند. نیروی انتظامی یا اداره گمرک در کشف چنین جرایمی در واقع به عنوان ضابط دادگستری عمل می‌کنند و به هیچ وجه ذی‌نفع نیستند که اقدام به اقامه دعوا کنند. لذا باید گفت که منظور از سایر دوایر دولتی در اینجا نهادهای دولتی است که این آثار متعلق به آنها یا به نحوی در اختیارشان قرار دارد. به عنوان مثال در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران اسنادی نگهداری می‌شود که دارای ارزش فرهنگی و تاریخی است حال اگر شخصی اقدام به ساخت نمونه تقلبی این اسناد نماید، این سازمان به عنوان شاکی خصوصی می‌تواند اقامه دعوی کند.

۲-۶. غیر قابل گذشت بودن

قانونگذار در ماده ۷۲۷ ق.م.ا. با احصا نمودن تعدادی از مواد این قانون مقرر می‌دارد که، جرایم موضوع آنها جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شوند و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید، دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر نماید. از آنجا که بزه‌های مندرج در فصل نهم، کتاب پنجم (تخریب اموال تاریخی فرهنگی) داخل در قلمرو ماده ۷۲۷ است، و ماده ۵۶۶ مکرر نیز به این فصل اضافه شده، این سوال پیش می‌آید که آیا جرایم مندرج در ماده اخیر الذکر نیز داخل در قلمرو ماده ۷۲۷ می‌شوند یا نه به عبارت دیگر آیا این جرایم قابل گذشت هستند یا خیر؟

در جواب به این سوال باید اظهار داشت که نباید ماده ۵۶۶ مکرر را داخل در حوزه ماده ۷۲۷ آورد چرا که قانونگذار در این ماده «برای تشخیص جرایم قابل گذشت از روش احصا قانونی استفاده نموده است»^{۱۵} روشی که در آن به تک تک مواد قانونی که جرایم موضوع آنها قابل گذشت است تصریح می‌شود و از آنجا که به ماده ۵۶۶ مکرر اشاره نشده و در این روش «اصل بر این است که هیچ جرمی قابل گذشت نیست مگر اینکه خلاف آن در قانون تصریح شده باشد»^{۱۶}

۱۴. بهنام قاسمی، «تخریب اموال تاریخی - فرهنگی»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۱،

ص ۱۱۷.

۱۵. محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴.

۱۶. همان.

جرائم موضوع این ماده قابل گذشت نیستند. به علاوه با توجه به ماهیت این بزه‌ها و لطمه و صدمه‌ای که از آنها به میراث فرهنگی وارد می‌شود، معقول‌تر این است که این جرایم را قابل گذشت ندانیم. در واقع جرایم موضوع ماده فوق‌الذکر مصداق بند ۲ ماده ۴ ق. آ.د. ک. است. یعنی جرایمی که با شکایت شاکی تعقیب می‌شوند و با گذشت او تعقیب متوقف نخواهد شد.

نتیجه‌گیری

جرم‌انگاری ماده ۵۶۶ مکرر به منظور حمایت از آثار فرهنگی تاریخی و مبارزه با جاعلان این آثار و کسانی که بعد از ساخت نمونه تقلبی به نحوی از طریق خریداری حمل و غیره در پی کسب منافع نامشروع و غیره قانونی از طریق این اشیا هستند به نفع مفید بوده و در این راستا نقطه عطفی به شمار می‌رود. لکن پس از تحلیل و بررسی این ماده نظر نگارنده بر این است که این ماده دارای اشکالاتی به شرح ذیل می‌باشد؛

۱. در مبحث خریداری قانونگذار صرف خرید این اشیا را با آگاهی از تقلبی بودن آنها جرم دانسته، و برای آن مجازات تعیین کرده، در توجیه جرم‌انگاری این عمل ذکر گردید که شاید هدف مقنن، پیش‌بینی این جرم به عنوان یک جرم مانع و به منظور جلوگیری از ارتکاب جرایم بعدی بوده و اگر واقعاً هدف این امر باشد بهتر بود که به جای لفظ خریداری از اصطلاح تحصیل کردن استفاده می‌نمودتا اعمالی همچون معاوضه، هبه و... را نیز شامل می‌شد.
۲. در ارتباط با رکن روانی در این ماده قانونگذار سه گونه جرم پیش‌بینی نموده که این سه دسته از لحاظ عنصر معنوی با هم فرق می‌کنند. این امر قابل انتقاد است چرا که آوردن سه عنوان مجرمانه که عنصر روانی آنها با هم متفاوت است، در زیر یک ماده قانونی چندان جالب نیست.
۳. انتقاد بعدی که نه تنها بر این ماده بلکه بر کل فصل نهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی وارد است عبارت است از اینکه در جرایم این فصل قانونگذار سازمان میراث فرهنگی و سایر دوایر دولتی را به عنوان شاکی یا مدعی خصوصی معرفی نموده به نحوی که اگر این سازمان‌ها اقدام به اقامه دعوا نکنند امکان تعقیب و اقامه دعوا از طرف مدعی العموم نیست که این امر با توجه به ماهیت این جرایم و موضوع آنها چندان منطقی و معقول به نظر نمی‌رسد.

فهرست منابع

- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۶.
- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۸۳.
- آوری، پیتر، تاریخ معاصر ایران، ترجمه محمد رفیعی، تهران، نشر عطایی، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- پیمانی، ضیاءالدین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
- سالاری، مهدی، جعل و تزویر، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.

- شامبیاتی، هوشنگ، جرایم برضد مصالح عمومی کشور، تهران، انتشارات ژوبین، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۲.
- صمدی، یونس، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌الملل، تهران، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- قاسمی، بهنام، «تخریب اموال تاریخی- فرهنگی»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، ۱۳۸۱.
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ نهم، ۱۳۸۳.
- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم، ۱۳۸۳.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، دوره شش جلدی، ج ۳، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۶.
- میرمحمدصادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. X, No. 2

2011-2

Articles

- The Differences between Mistake and Ignorance to the Subject-Matter of Contract
- Bankruptcy in Fault and Fraud: From Commercial Code to Islamic Penal Code
- Complicity in Unintentional Crimes
- Concept and Nature of Future Contracts
- Analysis The Theory of the Unification of Transnational Commercial Contracts Law
- Peace and Human Rights in Curriculum under the International Instruments

Special Issue: Cultural Heritage Law: Capacities and Challenges

- Unable Justice and Preservation of Cultural Heritage
- Islamic Penal Code of Iran on Crimes against Cultural Property: 566 bis Article
- Copyright Protection for Architectural Works
- Some Strategic Developments in Restitution of the Cultural Property in Contemporary International Law
- New Developments in Restitution of Cultural Property with a View to Restitution of Indigenous People's Cultural Property
- The Protection of Cultural Property in Times of Armed Conflicts: The Practice of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia
- "Functional" Concept Evolution of Cultural Property in a More Humanization of International Law
- Deficiencies in Legislations for Protection of Cultural Heritage
- Right on the Historical Name of the Persian Gulf from the Perspective of International Law
- Examining Various Mechanisms for International Disputes over Cultural Properties



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study

ISSN: 1682-9220